

تراژدی خلایقیت

چهار سال پیش، سه چهار صفحه از مجموعه ای که نام " تراژدی خلایقیت" برای آن بر گزیدم را در برخی از تارنما ها منتشر کردم. در آن سه چهار صفحه به رابطه جنون و خلایقیت اشاره داشتم و برای نمونه از ویرجینیا وولف و چند هنرمند دیگر که به بیماری روانی مبتلا بودند، نام بردم. واکنش های گوناگون دوستان اهل قلم مرا واداشت تا کار را به سرانجام برسانم و آن مجموعه را به شکل و شمایل کتاب به چاپ بسپارم. کار آماده انتشار شد اما مثل کار های دیگرم خاک خور شد. در تازه ترین گرد گیری بد ندیدم چند صفحه ای دیگر از این کار را با کمی دستکاری و افزوده هایی منتشر کنم. بحث را فشرده تر، غیر تخصصی و ساده تر از آنچه در کتاب آمده است طرح می کنم، با این امید که برای طیف وسیع تری قابل استفاده باشد.

مقدمه

بیماری روانی و بیماری اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ای ما دو پدیده ی ترسناک، زننده، برجسیبی منزوی کننده و گاه " بد نام کننده" قلمداد شده اند. بسیاری از بیماران معتاد، انسان های داغ خورده و طرد شده، حتی به عنوان مجرم زندانی و اعدام شده اند. علت برخورد های نادرست و ناشایست با این بیماران، ناآگاهی، عدم شناخت، بد فهمی و بهره برداری های بد سگالانه از این بیماری ها و قربانیان شان است.

" دستگاه پلیس طبقه حاکم..... مزاحمان دانش گاهی خود را به تباهی هایی مانند دارو بارگی و روان بیماری و... متهم می کردند.... برای انصراف جوانان از جست و جوی علت مرگ معلم و نویسنده غیور، صمد بهرنگی، به دروغ شایع کردند که بهرنگی در حال مستی به رودخانه پریده و غرق شده است. در مورد دیگر از روی بد سگالی، در باره دو شخصیت محبوب دانش جویان، یعنی معلم و شاعر انقلابی، سیاوش کسرای و نویسنده آزادخواه، دکتر مصطفی رحیمی به دروغ پراکنی پرداختند و آن دو را معتاد به داروهای مخدر معرفی کردند..... در مورد دیگر.... محیلاته کوشیدند گروهی از نویسندگان و شاعران پر نفوذ مانند دکتر شریعتی و دکتر رضا پراهنی و دکتر غلام حسین ساعدی را روان بیمار شمارند. برای این منظوریه میانجی یکی از استادان دانشگاه ملی که کلینیک روانشناسی یا - به قول دانش جویان- " دکان روانشناسی" داشت، دانشجویان یک کلاس را برانگیختند که برای تدارک کتابی در زمینه روان شناسی نویسندگان و شاعران معاصر ایران، هر کدام به کمک پرسش نامه ای که نسخه های آن در کلاس توزیع شدند، شخصیت یکی از نویسندگان و شاعران بلند آوازه را از روی اثرهای او و با تکیه به انحراف های روانی مورد تحلیل قرار دهند.... و دانش جویان را بر آن می داشتند که به هنگام تحلیل اثر های نویسنده یا شاعر هر نکته ادراکی یا عاطفی را به یکی از عقده ها یا ناخوشی های روانی تحویل کنند و در فرجام نویسنده یا شاعر را در یکی از چند گروه روان بیمار که در ورقه ذکر شده بود جای دهند و...." (1)

برای پیشگیری از تکرار نمونه ی فوق، که ده ها مورد مشابه اش در حکومت پهلوی و اسلامی رخ داده است، و نیز برای رفع آن ترسناکی و زننده گی ی نادرست و نابجا، می باید سطح آگاهی و شناخت از این بیماری ها را افزایش داد.

نخستین گام قبول این اصل از سوی جامعه و فرد مبتلاست که: بیماری روانی و اعتیاد به مواد مخدر، نه یک بیماری ترسناک، نه یک بد نامی و جرم بل که نوعی بیماری همچون بیماری های قلبی، عروقی، ریوی، کلیوی و دستگاه گوارش است. چنین پذیرشی گامی مهم در برخورد درست با این دست از بیماران، و کاهش و حل مشکلات شان خواهد بود. این آگاهی، شناخت و نگرش، دست آنان که از این دو پدیده بهره برداری های " سیاسی و عقیدتی" ی غیر انسانی و ضد اخلاقی می کنند را نیز خواهد بست. برای شروع بحث مورد نظر در این یادداشت کوتاه لازم است به برخی مفاهیم یا مقوله های اصلی اشاره شود:

بیماری روانی: روان مجموعه ای از روندها، فرایندها و پدیده هایی است که مغز و بخش های دیگر نظام عصبی جایگاه پدیدایی آن هاست. آسیب های بافتی (ارگانیک) و دژنراتیو مغز به دلایل گوناگون سرشتی یا ژنتیک، بیولوژیک، بیوشیمیایی، نوروفیزیولوژیک، نوروشیمیایی، اجتماعی و... سبب بروز دگرگونی ها و اختلال هایی در این روندها، فرایندها و پدیده ها شده و در نتیجه ناهنجاری ها و بیماری های روانی بوجود می آیند. با توجه به اینکه نظام عصبی، به ویژه مغز نقش فرماندهی رفتار انسان را ایفا می کند، پدیدهی ست دگرگونی و اختلال در عملکرد این نظام سبب دگرگونی و اختلال در رفتار انسان می شود. دانش روانپزشکی، روانشناسی و روانکاو در کنار بازگشایی رازهای جهان پیچیده و شگفت انگیز روان یا ذهن انسان، شناخت علل بروز ناهنجاری ها و بیماری های روانی و کنترل و درمان این بیماری ها را در دستور کار داشته و دارند.

بیماری اعتیاد به مواد مخدر: وابستگی روانی و بدنی به مواد و دارو های وابستگی آور، اعتیاد به آن مواد و دارو ها تعریف شده است. تحمل فرد به مواد و دارو های وابستگی آور از ویژگی های این بیماری است. به هنگام عدم دسترسی به این دست مواد و دارو ها، در کنار افزایش تمایل و اشتیاق به یافتن و مصرف آن ها، علائم روانی و بدنی غیر طبیعی پدید می آید.

هنرمندان اهل قلم و بیماری های روانی:

داده ها و شواهد معتبر، و تحقیق ها و آمارهای انتشار یافته نشان داده اند که برخی از بیماری های روانی در میان هنرمندان اهل قلم بیش از میزان ابتلای افراد عادی به این نوع بیماری هاست. در میان این دست هنرمندان، شاعران بیشترین مبتلایان به این بیماری ها هستند. برای نمونه از میان 36 شاعر بزرگ امریکایی که اشعار آن ها در مجموعه اشعاری انتشار یافت 8 تن از شاعران به بیماری روانی (شوریدگی) - افسردگی (Bipolar Disorder) مبتلا بودند (رک به جدول زیر). در مورد 28 شاعر دیگر نیز تحقیقات کافی انجام نشده بود تا بیماری یا سلامت روانی آن ها را بتوان تایید کرد.

Partial Listing of Major 20th Century American poets, Born Between 1895 and 1935, with Documented Histories of Bipolar Illness				
Poet	Pulitzer Prize In Poetry	Treated for Major Depression Illness	Treated for Mania	Committed Suicide
Hart Crane 1899-1932		*	*	*
Theodore Roethke 1908-1963	*	*	*	
Delmore Schwartz 1913-1966		*	*	
John Berryman 1914-1972	*	*	*	*
Randall Jarrell 1914-1965		*	*	*
Robert Lowell 1917-1977	*	*	*	
Anne Sexton 1928-1974	*	*	*	*
Sylvia Plath + 1932-1963	*	*		*

+ Plath, although not treated for mania, was probably bipolar 11.

Source: from Manic-Depressive Illness by Frederick K. Goodwin and Kay Redfield Jamison Copyright 1990 by Oxford University Press, Inc. Reprinted by permission.

مطالعه و تحقیق دیگری نشان داده است که در میان هنرمندان مورد بررسی 87 درصد شاعران مطرح و مشهور تجربه مشکلات روانی داشته اند در حالی که این رقم در میان دانشمندان و فعالان عرصه علم 28 درصد بوده است (Ludwig, 1995) (2)

این دست آمارها و نمونه ها کم نیستند. از میان اهالی قلم مطرح در جهان که از بیماری روانی رنج می بردند، و یا علائمی از این بیماری ها داشتند می توان به نام های تولستوی، چارلز دیکنز، امیل زولا، بالزاک، ویکتور

هوگو، والت ویتمن، هانس کریستین اندرسن، تنسی ویلیامز، ادگار آلن پو، اوژن اونیل، ارنست همینگوی، سزار پائوس، فرناندو پسوا، مایاکوفسکی، ویرجینیا وولف و..... اشاره کرد. (3)

شواهد و مدارکی که تایید کننده ی بیماری روانی این دست هنرمندان اهل قلم است، شامل بررسی شرح زندگی و احوال (بیوگرافی) این هنرمندان، اظهارات نزدیکان آنان و گزارش های پزشکی ست. برخی از هنرمندان نیز از بیماری و رنجی که از آن می بردند سخن گفته اند (آلن پو، ویرجینیا وولف و.....).

هنرمندان به مانند دیگران به انواع بیماری های روانی، از جمله انواع اسکیزوفرنی ها (روان پارگی ها، توهم های بینایی و شنوایی و....)، انواع اختلال های خلقی - عاطفی Mood Disorder، انواع اختلال های شخصیتی، خود شیفتگی (نارسیسیسم)، انواع اضطراب ها و..... مبتلا شده اند، اما میزان ابتلای آن ها به نوعی از اختلال خلقی - عاطفی Bipolar Disorder، که جنون شیدایی - افسردگی نیز گفته می شود، بیش از سایر بیماری های روانی ست. (4)

ویرجینیا وولف یکی از قربانیان این بیماری ست. وولف جنون (دیوانگی) را پدیده ای شگفت انگیز می دانست، شگفتی ای مهیب که آتشفشان خلاقیت و سرچشمه ی الهام اش بود. لیونارد وولف، همسر ویرجینیا تردیدی نداشت که میان خلاقیت هنری و بیماری روانی ویرجینیا رابطه ای تنگاتنگ وجود داشت.

" من بطور قطع اطمینان دارم که نبوغ و خلاقیت ویرجینیا ارتباطی تنگاتنگ با علایم بی تعادلی روانی و جنون او داشت " (5)

و سرانجام ویرجینیا را شیوه ی نگاهی که او شیوه ی نگاه ناخواسته و رنج آلود به زندگی می خواند فرسوده اش کرد و به سوی مرگی زودرس سوق اش داد. ویرجینیا در یکی از آخرین نامه هایش به لیونارد نوشت:

" عزیز ترینم، احساس می کنم دو باره دارم دیوانه می شوم، احساس می کنم ما نمی توانیم این دوره ی جاتکاه را از سر بگذرانیم، من نمی توانم این وضعیت و زمان را بهبود بخشم، من آنچه بنظرم بهترین است، انجام خواهم داد.. فکر نمی کنم با وجود چنین بیماری هولناکی دونفر بتوانند خوشحال زندگی کنند. من دیگر تاب تحمل و مبارزه ندارم...." (6)

ویرجینیا وولف سرانجام خودکشی کرد.

از این دست رجنامه ها برخی دیگر از خلاق ترین نویسندگان و شاعران جهان نیز بر جای گذاشته اند. برخی از هنرمندان اهل قلم ایرانی نیز به بیماری های روانی مبتلا بوده اند. مذموم و زنده پنداشتن بیماری روانی در جامعه ما پنهان نگه داشتن این بیماری را سبب شده است. فقدان بیوگرافی های دقیق، هراس اطرافیان از طرح بیماری هنرمند اهل قلم، نبود گزارش های دقیق پزشکی در مورد هنرمندان مبتلا، از دلایل فقدان آمار دقیق و قابل استناد است. برخی از روانشناسان و روانکاوان تحلیلیگرا نیز با تحلیل و نقد آثار ادبی شماری از شاعران و نویسندگان ناهنجاری ها و بیماری هایی در این شاعران و نویسندگان تشخیص داده اند - البته بدون تردید نه با قصد و نیت " بدسگالانه " ی حکومت پهلوی و اسلامی. نگارنده ی این مقاله تشخیص بیماری روانی یک هنرمند اهل قلم را بوسیله تحلیل روانکاوانه اثرش دقیق و قابل اتکا نمی داند. (7)

از میان چندین شاعر و نویسنده ی معاصر میهنمان، که از ناهنجاری ها و بیماری های روانی رنج بردند و سرانجام خودکشی کردند، می توان از صادق هدایت و غزاله علیزاده نام برد. (8)

نامه های به جا مانده از صادق هدایت، گفته ها و نوشته های دوستان نزدیک اش و نیز اقدام مکرر به خودکشی نشانگر این واقعیت اند که هدایت از بیماری شیدایی - افسردگی، بویژه از افسردگی شدید رنج می برد.

تقی رضوی دوست هدایت، از " دیوانگی " هدایت جوان در 9 اریبهبشت 1307 سخن گفته است:

" صبح آن روز هدایت را تو یک کافه در مرکز پاریس دیدم. خیلی گرفته به نظر می رسید. زیاد حرف نزد و بیشتر از معمول نوشید... موقع خداحافظی چند کاغذ به من داد تا برای دوستان و اقوامش در تهران پست کنم..."

هدایت نیز اینگونه " دیوانگی " اش را برای تقی رضوی شرح داد: **" تو پاریس از تو جدا شدم یکر است رفتم به یک کافه ای در کاشان چند گیلان دیگر هم زدم، حساب را پرداختم و بقیه اش را انعام دادم. بعد رفتم به یک نقطه ی پرت افتاده کنار رود خانه ی مارن و از بالای یک پل قدیمی، شیرجه زدم آن تو. نمی دانستم که یک جفت جوان در قایق زیر پل مشغول معاشقه اند. جوانک فوری پرید و مرا بیرون کشید...." (9)**

سال ها بعد هدایت در نامه ای در 26 آبانماه 1329 به یکی از دوستانش نوشت: **"..... بالاخره تصدیق کمیسیون پزشکی را گرفتم. تشخیص داده بودند که Psychose (روانپریشی) دارم و اجازه دو ماه مرخصی داده اند دو ماه بروم فرانسه و مشغول معالجه شوم...." (10) و.... هدایت چندی بعد در اقدامی دیگر خود را کشت. (11)**

روز جمعه 21 اردیبهشت سال 1375 جسد غزاله علیزاده در جنگلی در نزدیکی رامسر پیدا شد: " با لباسی مانند همیشه سیاه، کاملاً آراسته، با ظرف خالی قرصی در جیب، با معده ای انباشته از قرص های آرام بخش، با طنابی به گردن، در میان دو تخته سنگ، با حدود 10 سانتی متر فاصله از زمین و آویزان از یک درخت." (12)

و فرخنده حاجی زاده " از غزاله می گوید: "... در وصیت غزاله هیچ نگرانی از زندگی دیده نمی شود. غزاله می گوید: خسته ام، برای همین می روم. دیگر حوصله ندارم. چقدر کلید در قفل بچرخانم و قدم بگذارم به خانه ی تاریک. من غلام خانه های روشنم." (13)

از نویسندگان خلاق و گرانقدر معاصر شهرنوش پارسی پور نیز از رنج آزار جنسی در کودکی و ابتلایش به بیماری شیدایی- افسردگی سخن گفته است (14).

هنرمندان اهل قلم و بیماری اعتیاد به مواد مخدر: (15)

شواهد و داده ها حکایت این دارند که بیماری اعتیاد یا خوگیری به مواد مخدر در میان هنرمندان اهل قلم، بویژه شاعران شایع است. از میان مواد مخدر، اعتیاد به الکل و الکلیسم به دلیل در دسترس و ارزان بودن در زمره شایع ترین ها است، به ویژه اینکه سخن از تاثیر الکل بر قلم و رابطه ی " بطری و کتاب " نیز گفته شده است (16). در ابتلا به الکلیسم، الکل اما چهره ی مرگ آفرین اش را نشان می دهد، که پیامد روانی ی افسردگی و خود کشی، چهره ی دیگر این نوشیدنی خلاقیت را است.

در کنار الکل، مواد افیونی نیز در سطح گسترده ای در جهان استعمال می شوند. هر دو به دلیل ایجاد سرخوشی و افزایش لذت جویی در زمره مواد مورد علاقه است.

ویژگی های جغرافیایی و منطقه ای در نوع ماده و داروی مورد مصرف نقش دارد.

در امریکا مصرف ماری جوانا و حشیش (17)، به ویژه در میان جوانان ابعاد گسترده ای بخود گرفته است. ال.اس.دی، اکستاسی (18) و انواع دارو هایی که امروزه به عنوان داروهای روان گردان بازار گرمی دارند مورد استفاده ی نا بجا و نادرست قرار می گیرند و عوارض روانی و جسمانی، و فجایع اجتماعی بر جای می گذارند. (19)

صادق هدایت در " بوف کور " به " دنیای تهی و درخشان " معتادان که اعتیاد ظاهرا و موقتی تمام موانع را از سر راه شان برمی دارد، اشاره دارد:

" در زندگی زخم هایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می خورد و می تراشد..... بشر هنوز چاره و دوايي براي پيدا نکرده و تنها داروی آن فراموشی به توسط شراب و خواب مصنوعی به وسیله افیون و مواد مخدر است، ولی افسوس که تاثیر اینگونه دارو ها موقت است و به جای تسکین، پس از مدتی بر شدت درد می افزاید..."

اعتیاد بودلر به مواد افیونی و یا تنسی و بلیامز به الکل از بحث برانگیز ترین اعتیادها ی اهل قلم در سطح جهان بود. (20)، (21).

در ایران اعتیاد افیونی و الکلی در میان هنرمندان اهل قلم بیش از اعتیاد دارویی است. زشت و زننده پنداشتن اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ی ما پنهان نگه داشتن " ظاهری " این بیماری را سبب شده است. فقدان بیوگرافی های دقیق، هراس اطرافیان از طرح ابتلای هنرمند به اعتیاد، نبود گزارش های دقیق پزشکی در مورد هنرمندان معتاد، برخی از دلایل فقدان پژوهش و آمار دقیق و قابل استناد است. برخی از شاعران و نویسندگان ایرانی در باره اعتیاد شان به مواد مخدر سخن گفته اند که البته انگشت شمارند.

دکتر غلامحسین ساعدی یکی از نمونه های جانکاه و دردناک ابتلا به الکلیسم در میان اهل قلم بود، که سرانجام الکل پس از سوق دادن او به سوی افسردگی جان اش را گرفت. این بخشی از نامه ی ساعدی به همسرش است:

" عیال ناز نازی خودم.

حال من اصلا " خوب نیست. دیگر یک ذره حوصله برایم باقی نمانده دیگر نمی توانم خودم را جمع و جور کنم، ناامید ناامید شده ام. اگر خودکشی نمی کنم فقط به خاطر توست، والا یک باره می شاشیدم به این زندگی و خودم را راحت می کردم، از همه چیز خسته ام.....هیچکس حوصله مرا ندارد، هیچکس مرا دوست ندارد.... شلوارم پار پاره است، دگمه هایم ریخته، لب به غذا نمی زنم، می خواهم پای دیوار بمیرم..... من خسته ام، بیخامانم، در بدرم، تمام مدت جگرم آتش می گیرد.... من اگر تو نباشی خواهم مرد و شاید پیش از این که مرگ مرا انتخاب کند، من او را انتخاب کردم..." (22)

بحث Discussion

بیماری های روانی و بیماری اعتیاد به مواد مخدر سبب بروز دگرگونی هایی در روند ها ، فرایند ها و پدیده های روانی می شوند. این دگرگونی ها بیمار را گاه به جهانی تخیلی و وهم آلودمی برد ، و گاه چنان سرشار از انرژی ، اطمینان و شوریدگی و شیدایی اش می کند که می پندارد بر بام جهان ایستاده است ، و یا ثقل زمین و زمان است . یکی از بیماری هایی که " گهگاهی " Episodic چنین حالاتی را پدید می آورد ، جنون شیدایی - افسردگی است . هنرمند مبتلا به این بیماری در دو نهایت خلقی و عاطفی نوسان می کند. **شیدایی Manic** زمان خلاقیت و آفرینش است. بیمار پرانرژی ، پرتحرک و با اتکا به نفس ایده و اندیشه اش را پرواز می دهد . شیدایی پنجره ای به سوی جهانی دیگرگونه می گشاید ، جهانی گاه ترسناک و گاه شکفت انگیز و زیبا برابر هنرمند بیمار قرار می دهد ، جهانی که گاه هنرمند به سوی اش کشیده می شود ، گاه از آن می گریزد ، و حتی در گریزش خلاقیت و آفرینش پناه و فریادرس اش می شود. هنرمند اهل قلم شیدا و شوریده ترازدی توهم ، هذیان ، اضطراب و هیجان های عاطفی شادی آفرین را به نمود های زیبایی شناسانه و انسانی بدل می کند. به گاه افسردگی **Depression** اما غمگینی ، احساس بی ارزشی ، احساس گناه ، نومیدی ، تنهایی به سراغ هنرمند می آید. کاهش فعالیت و علاقه ، کاهش اشتها ، کاهش توجه و دقت ، بیمار را زمین گیر می کند . رفتار عاطفی دستخوش دگرگونی می شود. فکر مرگ و خود کشی ملکه فکر هنرمند افسرده می شود. برخی از هنرمندان اهل قلم در فاز افسردگی آثار ارزشمندی خلق کرده اند. به این نکته می باید توجه داشت که بیمار مبتلا به جنون شیدایی - افسردگی در میان دوره های شیدایی - افسردگی گاه به حالت عادی و زندگی طبیعی برمی گردد. (23)

در باره علل بروز این بیماری همانگونه که اشاره کردم از اختلال های ژنتیک ، اختلال های بیولوژیک و بیوشیمیایی ، آسیب های بافتی مغز و پاره ای عوامل روانی و اجتماعی و نام برده اند. میزان ابتلای شاعران و نویسندگان و دیگر هنرمندان (24) به بیماری شیدایی - افسردگی بحث و ایده ی قدیمی رابطه ی جنون و خلاقیت را با ابعادی تازه تر دامن زده است. این ایده و بحث که از هنگام ارسطو تا به امروز مطرح است به دنبال پاسخ گویی به چرایی و چگونگی رابطه ی بین جنون (دیوانگی) و خلاقیت (نبوغ) است ؟ و نیز پاسخگویی به این پرسش که خلاقیت سبب بروز بیماری روانی ، بویژه بیماری شیدایی - افسردگی می شود یا بیماری شیدایی - افسردگی خلاقیت را و نبوغ آفرین است ؟

علیرغم داده ها و شواهد معتبری که نشان دهنده ی رابطه و همزمانی بیماری شیدایی - افسردگی و برخی دیگر از بیماری های روانی با خلاقیت و نبوغ است ، اما هنوز رابطه ی علت و معلولی این دو پدیده را روشن و مبهم می دانند . آنچه بر این ناروشنی و ابهام افزوده این واقعیت است که بسیاری از هنرمندان اهل قلم خلاق و آفریننده هیچگونه علایمی از این بیماری ها را نشان نداده اند ، و نیز بسیاری از بیماران مبتلا به شیدایی - افسردگی ، با پدیده ای بنام خلاقیت و نبوغ بیگانه اند. (25)

ایده و بحث درباره ی رابطه ی بین خلاقیت و استفاده از مواد مخدر نیز ایده و بحثی آنتیک است. (26) در رابطه با ریشه یابی و علل بروز اعتیاد نقش ناسازگاری ها و ناهنجاری های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ، به ویژه فقر ، بیکاری ، بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی ، و بازار پر رونق و سود آور تجارت مواد مخدر و دارو های وابستگی آور کلیدی و اساسی ست. در کنار عوامل اشاره شده ویژگی های شخصیتی فرد برای غلطیدن به ورطه اعتیاد نیز نقش پر اهمیتی دارد. گروهی عوامل اجتماعی و اقتصادی را تعیین کننده می دانند ، گروهی جنبه های فردی و ویژگی های روانی فرد را ، و دسته ای دیگر النقاط این دو عوامل را. بخشی از آن گروهی که جنبه های فردی ، و ویژگی ها و اختلال های روانی فرد را تعیین کننده می دانند علت اعتیاد را بیش از هر چیز در اختلال های شخصیتی و ناکامی های جنسی و ... ، وقفه در رشد " من " و " ابرمن " ، تمایلات واپس زده و اختلال و تثبیت در مراحل روانی کودکی (دهانی و ...) و واکنش های دفاعی می دانند. در باره علت بروز اعتیاد در کنار عوامل اشاره شده (فقر ، بیکاری ، بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی و ...) عوامل و دلایل مشخص تر دیگری نیز مطرح شده اند که از این جمله اند :

ناتوانی فرد در سازش و انطباق با محیط زندگی و جامعه ، گریز از واقعیت های عذاب آور و جستجوی تکیه گاه و پناهگاهی برای به دست آوردن آرامش ، رضای نیاز ها و خواست های لذت جویانه ، فقدان یا کاهش احساس مسیولیت ، عدم ثبات عاطفی ، خود خواهی و

دلایل یا طبیعت اعتیاد به مواد مخدر در افراد و گروه های اجتماعی نیز فرق می کند. به نظر می رسد در بروز اعتیاد به مواد مخدر در میان هنرمند ان اهل قلم نقش شخصیت هنرمند، خصلت فردی و ذهنی ی کار هنری (به ویژه شعر)، و گره خوردگی شدید احساسی و عاطفی Emotion هنرمند با کاری که انجام می دهد، از عواملی هستند که برخی از هنرمندان اهل قلم را به سوی اعتیاد سوق می دهند.

در کنار عوامل ذکر شده، طرز تلقی متفاوت و گاه منفی نسبت به خود و جامعه، ناتوانی در مقابله با مسایل و محرومیت های زندگی، بی چشم اندازی و ناامیدی در باره آینده و تحقق انسان و جامعه ی آرمانی هنرمند، سبک باری، تحمل پذیر کردن زندگی، می توانند هنرمند اهل قلم را به سوی اعتیاد بکشاند. پاره ای از پژوهش ها نشان داده اند که مواد مخدر با تحریک یا تخدیر نظام عصبی سبب بروز دگرگونی ها و تغییراتی در احساس، ادراک، خلق و خوی، تصور، تخیل و تفکر فرد می شود. برخی اینگونه می اندیشند که این مواد زوایای تیره و تاریک ذهن را منور و مکشوف می کند و زمینه ساز خلاقیت و آفرینش هنری می شوند. برای نمونه نشان داده شده که مصرف میزان معینی الکل در برخی افراد خلاقیت را و محرک شیدایی و شوریدگی ست، و ذهن را فعال می کند.

ابتلا به بیماری روانی و اعتیاد به مواد مخدر پارادوکسی تراژیک است. در میان برخی از هنرمندان اهل قلم این دو پدیده ی آفرینش گر و خلاقیت زا ذره ذره جسم و جان هنرمند را به کام نابودی و شخصیت اش را رو به اختلال و زوال می برند.

در این میانه تکان دهنده ترین زمان لحظه ای ست که جنون خودکشی به سراغ هنرمند اهل قلم می آید. برخی خودکشی این هنرمندان را نوعی دیگر از خلاقیت هنرمندانه تعبیر و تفسیر کرده اند. این گروه می پندارند که هنرمند از جنون تخریب خود - به عنوان پاره ای از ناهنجاری و بیماری اش - اثری هنرمندانه و زیبایی شناسانه خلق می کند و با کشتن خویش واقعه ای ماندگار و شکفت انگیز بوجود می آورد. او با خودکشی اش عینیتی هنری و زیبایی شناسانه به حضورش، و به مرگش می دهد (27). برای اثبات اینگونه تعبیر و تفسیر نیز به خودکشی هنرمندانی اشاره می شود که از افسردگی و اعتیاد رنج نمی بردند و خود را در بهترین شرایط و موقعیت "روانی"، هنری و اجتماعی کشتند. گروهی دیگر خودکشی این هنرمندان را نقطه پایانی می دانند که هنرمند بر رنج جانکاه بیماری روانی و اعتیادش می گذارد. این نظر و برداشت با واقعیت های تاکنونی و داده ها و شواهد معتبر خوانایی بیشتری دارد.

خودکشی هنرمندان اهل قلم تراژدی هیجان های حسی و عاطفی، توهم، هذیان، هراس، اضطراب، افسردگی و ناسازگاری و عدم انطباق با مسایل اجتماعی ست، تراژدی رنجی خلاق، که می توان آن را در چهره ی اندوهگین و افسرده ی "ویرجینیا وولف"، در سیمای سرزنده و شاداب "سیلویا پلات"، در چهره ی آرام و متین صادق هدایت و در چشم ها و نگاه زیبا اما سرشار از اندوه غزاله علیزاده خواند.

منابع وزیر نویس:

- 1- ا.ح. آریان پور، اعتیاد در دانشگاه های ما، بازتاب (نشریه روانشناسی و روانپزشکی)، ویژه اعتیاد، شماره 3، پاییز 1359 (برای نوشتن این مقاله از نشریه بازتاب نیز استفاده شده است)
- 2- Dean Keith Simonton, Ph.D, Are Genius and Madness Related?. Contemporary Answers to an Ancient Question, Psychiatric Times June 2005
- 3-Creativity, The Arts and Madness, Maureen Neihart Psy.D.- w www.talentdevelop.com
- 4-Ludwig AM (1990) Creativity achievement and psychopathology: among professions. [published erratum appears in Am J psychother 47(1): 160]Am J psychother 46 (3): 330-356
- 5- Woolf, 1964, p.80 / Woolf 1978, P 180
- 6-Bell, 1972, p 26
- 7- نگاه کنید به تارنمای محقق محترم آقای عباس احمدی (وبکده ی عباس احمدی) www.AbbasAhmadi.freewebsite.org
- 8- حداقل 6 شاعر و نویسنده معاصر ایرانی که از اختلال های روانی رنج می بردند، خودکشی کردند.
- 9- ناصر پاکدامن، "کمدی دراماتیک" فونتن بلو، نشریه آفتاب، شماره 56-55 مهر 1381 (به نقل از محمد علی کاتوزیان، صادق هدایت: از افسانه تا واقعیت، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، 1372)

10- صادق هدایت، هشتاد و دو نامه به حسن شهید نورایی، گرد آورنده ناصر پاکدامن، کتاب چشم انداز پاریس، بهار 1379

11- در باره چرایی خودکشی صادق هدایت نظرات متفاوتی مطرح شده است. مجتبی شمس آبادی نظرش این است که خودکشی هدایت " منشا اجتماعی و فرهنگی" داشت و.... (ر.ک به مجتبی شمس آبادی، "هدایت، مدرن بودن یا مصداق مدرن شدن"، نشریه آفتاب، مهر 1381، شماره 55-56)

- **12-** ناهید موسوی: غزالی که از شیطان بازیگر بازی خورد، نشریه آوای زن، شماره 53، زمستان 2004
 - 13-** فرخنده حاجی زاده: از غزالی می گوید، نشریه آوای زن، شماره 53، زمستان 2004
 - 14-** شهر نوش پارسی پور، مصاحبه با سهیلا وحدتی، "زنان از زبان زنان" و "این چیزی که می خوام بگم"، تارنمای ایران امروز، فروردین 1382
- (اکبر سردوزامی، داستان نویس گرانقدر، در نوشته ای باعنوان " از سال 1338 تا همین امروز " به اینکه در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته، اشاره کرده است (تارنمای اکبر سردوزامی، فوریه سال 2007). آزار جنسی ممکن است در لحظه ی وقوع سبب اذیت و آزار جسمانی نشود اما بروز آسیب های عاطفی و روانی در زندگی قربانی آزار جنسی محتمل است. خانم پارسی پور در مصاحبه ی خود با پرداختن به چنین تجربه ای در دوران کودکی اش، می گوید: "...و بعد این حادثه روی دوش من موند، موند! موند!")
- 15-** برخی از روانپزشکان و روانشناسان با اطلاق عنوان " بیماری" به پدیده ی اعتیاد به مواد مخدر موافق نیستند. در بسیاری از کتاب های روانپزشکی بیماری اعتیاد به مواد مخدر به عنوان نوعی بیماری روانی مورد بحث قرار گرفته است.

Steven L. Dubovsky, Substance Use Disorder, Psychiatry 2nd edition, 1989 by John Wiley and Sons, Inc
16- Nicholls J; Owen SJ, eds. Abuses of Alcohol: Drink, Drinkers, and Drinking Places in Literature. Sheffield England: Sheffield Academic Press, Ltd., 2000

17- Bourassa M; Vaugois P. effects of marijuana use on divergent thinking. Creativity Research Journal 13(3/4): 411-416, 2001

18- ناهید امیری، شادی بر لبه پرتگاه با قرص اکستازی، ایرنا، 4 آبان ماه 1383

19- در مورد چگونگی مصرف مواد مخدر و قوانین منع آن دیدگاه های مختلفی وجود دارد. دکتر بوریس ک. الکساندر، استاد روانشناسی دانشگاه سایمون فریزر ونکوور (کانادا) و یکی از صاحب نظران در امور مواد مخدر می گوید: "...یک ترس معقول از مواد مخدر و مقرراتی معقول برای آنها داشتن با جنگ علیه مواد مخدر یکسان نیست...". (مواد مخدر: نگرشی دیگرگونه، دکتر بوریس ک. الکساندر، تهیه و ترجمه: م. چالشگر، انتشارات فروغ - ونکوور، زمستان سال 1373)

20- Hilton F. Baudelaire in Chains: A Portrait of the Artist as a Drug Addict. Chester Springs PA: Peter Owen/ Dufour, editions distributor, 2004

21- Jeste NH; Palmer BW; Jeste DV. Tennessee Williams. American Journal of Geriatric Psychiatry 12(4): 370-375, 2004.

22- یادنامه دکتر غلامحسین ساعدی، انتشارات سنبله، (هامبورگ) دی ماه 1374

23- Jon A. Bell; Mood Disorders, Psychiatry 2nd edition 1989 by John Wiley and Sons, Inc
- Gregory W. Lester, Ph.D.; Personality Disorder in Social Work & Health Care, Third Edition, by Cross Country University, Nashville, TN

24- به نظر می رسد به دنبال شاعران، داستان نویسان و نمایش نامه نویسان، نقاشان در مرتبه ی بعدی قرار می گیرند. نمونه اندون گوگ، سالوادور دالی و.....

25- Andreasen NC (1987), Creativity and mental illness: prevalence rates in writers and first degree relatives. Am J Psychiatry 144(10): 1288-1292

- Waddell C. Creativity and mental illness: Is there a link? (review). Canadian Journal of Psychiatry 43(2): 166-172, 1998

26- Charles G. Morris; Understanding Psychology, Drug - Altered Consciousness, page 147, by Prentice Hall, New Jersey 1991

27- پاتریسیا دو مارتلر، خودکشی از جلوه گاههای هنر، تحقیقی در زیبایی شناسی خودکشی، ترجمه م. ربوبی، نوشتار، شماره 4 سال 2001